

نویسند

(وابسته به حزب تود مایران)

شماره ۲ - دی ماه ۱۳۵۵

جبهه ضد دیکتاتوری

خواستار طبع مردم ما و نیاز مبرم جنبش ماست

در این شماره:

- ۱- جبهه ضد دیکتاتوری
- ۲- تندیس روزبه در ایتالیا
- ۳- اوج جنبش دانشجویی
- ۴- در یک کشور سوسیالیستی
- ۵- سند در باره فعالیت مراکز
- ۶- اطلاعات
- ۷- خبرها

تجاوز به خاک و عساکران و سرکوب جنبش
مبارزه ای بخت در منطقه می گذارند
هم ز تحکشان را که باید بارمادی این
سیاست ضد خلق را بدون بکشند
ناراضی می سازد و هم موجب ناخشنودی
سربازان و افسران می شود که جانفشان
بازجه این سیاست ضد ملی شده است .
بقیه در صفحه ۲

حزب توده ایران و حزب ابقه کارگر
ایران و با احساس مسئولیت کامل در
برابر طبقه کارگر و لایحه ای ایران و با
درک عمیق وظایف تاکتیکی و استراتژیک
جنبش انقلابی ایران و موارد اتحاد
نیرویهای ضد رژیم را شرط اساسی برای
سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه
دانسته و لذا با تمام نیرو و به طبع
خستگی ناپذیر برای تحقق این اتحاد
مبارزه کرده است .

وزارتی پیرامون برد برد اری از

تندیس روزبه در ایتالیا

ایرانی در مطبوعات دموکراتیک ایتالیا از
جمله روزنامه اونیتا چاپ شد . آنگاه
قرار بر این گردید روز ۲۳ اکتبر ۱۹۷۶
(شنبه اول آبان ۱۳۵۵) از تندیس
یاد بود روزبه و قهرمان ملی ایران
پرده برداری شود . این مراسم در
محین روز باشکوه و هیجان کم نظیری
در میدان شهر سیانو رومانو برگزار
گردید .

در آستان گشایش مجسمه یاد بود
خسرو روزبه در میدان شهر سیانو رومانو
شهرداری این شهر سازمان مجلسی
حزب کمونیست سیانو رومانو سایر
نیروهای دموکراتیک با سه پلاکات
بزرگ از مردم این شهر برای شرکت
در مراسم پرده برداری دعوت کردند .
پرومتر جد آگانه ای نیز که تصویر
مجسمه روی آن چاپ شده بود به
زبان ای ایتالیایی و فرانسه با
عنوان " به یاد بود خسرو روزبه و قهرمان
ملی ایران " انتشار یافت . در این جزوه
پشتیبانی لوتیچی لونگو فرقیس حزب
کمونیست ایتالیا و بهترین رئیس فرقیس
حزب سوسیالیست ایتالیا اود ویرا
سیعی در پیر سیاسی حزب جمهوری و
بقیه در صفحه ۳

رنگا اولیا ، نرغند ایرانی ،
مجسمه ای به یاد خسرو روزبه منو کجسته
مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی
ایران ساخته و به شهر سیانو رومانو
که در سی کیلومتری رم پایتخت ایتالیا
قرار دارد اهدا کرده است . با دریافت
این مجسمه که از برنز ساخته شده و
مردی را نشان می دهد که دست های
اوی از پشت بسته اند و خطوط چهره
و عضلات پیچیده و دردم کشنده مایش
رنج و مقاومت او را نشان می دهد
شهرداری سیانو رومانو تصمیم گرفت
آن را در میدان مرکزی شهر میدان
ویتوریو اماتیونو سر بر سر ساختمان
شهرداری قرار دهد .

تصمیم شهرداری سیانو رومانو مورد
پشتیبانی احزاب و سازمان های
دموکراتیک شهر از جمله حزب کمونیست
ایتالیا و حزب سوسیالیست و حزب
سوسیال دموکرات و حزب جمهوری و
اتحادیه کارگران و سازمان جوانان
کمونیست قرار گرفت . در سطح کشور نیز
تمام احزاب و سازمان های دموکراتیک
ایتالیا از این تصمیم حمایت کردند و کس
مجسمه ساخته رضا اولیا نرغند

دعوت کمیته مرکزی حزب توده ایران
از تمام نیروهای ضد رژیم استبدادی
شاه برای تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری
گام تازه ای در این راه به شمار می رود و
در شهرهای گوناگون همین ما در ارای اهمیت
ویژهای است . تا زنگی و ایتان در چیست ؟

فشار بر کج

به استثنای خاندان پهلوی و
کارگزاران رژیم مکه مجرم کارگزاران
امپریالیسم هستند عواقب شوم سیاست
ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم استبدادی
شاه در همه عرصه های زندگی دیده در جبهه
مختلفی دامنگیر می شود .
آن سیاست اقتصادیک که ثروت های
ملی ما و قبل از همه و پیش از همه نفت
مارا به قارت امپریالیست ها می دهد و
ببازار سرمایه و کالای مارا عرضه تاخذ
و تاخار تکرانه امپریالیست ها و
سرمایه داران وابسته به آن ها می سازد
و موجب بیکاری و تورم و انانی مکیایی
و ناامیسی کالای گردد و هم کارگزاران
به گرسنگی محکوم می کند و هم در تقان در
بی خانمان می سازد و هم پیشه وران از
پای دوری آورد و هم سرمایه دار ملی را به
ورشکست می کشاند .

آن سیاست خارجی که ایران را در
شدت نیرزدارم امپریالیسم سر تلج فارس
به نظمیکنی و سابقه تسلط اتسی و

جبهه فدائیکاتوری

عم مخالفت میهن پرستان را برمی انگیزد که استقلال و حاکمیت ملی خود را پایمال سیاست امپریالیستی می بینند و هم پایه نگرانی عناصر واقع بینی می شود که عواقب خطرناک این سیاست ماجراجویانه را درک می کنند .

آن سیاست فرهنگی که در طرسه راه به روی نیی از کودکان صیقل یافته و هزاران نفر از جوانان شتاقی تحصیل را پشت در دانشگاه نگاه داشته است و به جای طرسه و دانشگاه زندان و سربازخانه می سازد هم جوانان روشنفکران را به صیقل وای دارد و هم نارنجایی صلحین ما و صلحین ناپدری را موجب می گردد .

و سرانجام آن رژیم ترور و اختتای که ایران را به زندان بزرگی مبدل ساخته و سایه شوم ساواک را بر همه جا حتی در میان خانواده ها گسترده و برای حفظ خود هرگونه تهازل ناخشنودی را از جانب هرکس به چشم می بیند و به روشنگرانی زندان و شکنجه و گلوله باسخ می دهد و نارنجایی و نگرانی حتی به قسری از طبقه حاکمه نیز سرایت می دهد . بدینسان جامعه ایران زیر فشار همه گیر رژیم استبداد شاه به سوی یک بحران عمومی می رود .

واکنش همگانی

فشارهای همه گیر به ناچار واکنش همگانی را برمی انگیزد سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم استبدادی شاه که در عرصه های اقتصادی سیاسی اجتماعی نظامی و فرهنگی عواقب شومی را برای طبقات و اقشار گوناگون خلق به بار آورده است . جبهه این طبقات و اقشار را برای دفاع از حقوق و ضایع خود به مقاومت و مبارزه وای دارد :

جنبش اجتماعی و طبقاتی طبقه کارگران ایران از نظر کم و کیفی در سطح وسیعی گسترش می یابد . اعتصاب بیش از ۳۰ هزار کارگر در ۲۶ کارخانه فقط در ماه اردیبهشت که به تشکیل و مقاومت شایان تحصیصی صورت گرفته نمونه بارزی از این واقصیت است .

دانشانان برای دفاع از آنچه در جریان اصلاح ارضی ملی مبارزه به دست آورده اند و ولی اجرا نمی شود و برای تحقق اصلاح ارضی دموکراتیک به پای می خیزند . بر خور آن ها با مالکان و واند ارها فزونی می گیرد .

جوانان و دانشجویان و روشنفکران برای دموکراتیزه کردن محیط تحصیلی و فرهنگی مردانه مبارزه می کنند . استقرار رسمی پایه های در دانشگاه ها و مراکز عالی آموزشی و تعطیل دراز مدت و بی دریغ آن ها و افزایش تعداد روشنفکران زندان نشانهای از گسترش این جنبش است .

روحانین ترقی خواره صاحب مد ارض طحی را بهنگامین مقاومت و مبارزه بر ضد رژیم استبدادی شاه مبدل کرده اند . رهبران طحی و اقشار جدیدی از روحانین که پیوند خود را با مردم حفظ کرده اند و پیش از این به صحنه مبارزه می آیند . نارنجایی و مقاومت در بین بازاریان و افسران میهن پرست و

خراقتند رویه افزایش است . اخبار پراکنده های که از فرار سران و افسران از خدمت و باخراج و حبس و اعدام آن ها منتشر می شود و بازتابی از این واقصیت است .

زنان و دختران جوان درونی به دوش مردان در کارخانه و مزرعه و دانشگاه به صحنه مبارزه می آیند و نمونه های اعجاب آوری از بیگانه جویی و مقاومت و دلیری نشان می دهند . و سرانجام حتی عناصر و قسری این از طبقه حاکمه و ناخشنود از آنچه که در امن آن عار احم می گیرد و نگران از آینده نامطمئنی که رژیم در برابر آن ها قرار داده است هلب به اعتراض و مخالفت می کشانند .

همه این ها نشانه آن است که دوران فروکش نهضت پایان یافته و دوران اعتلاء جنبش فرا می رسد .

فشار متمرکز و واکنش پراکنده

اگر فشار همه گیر و متمرکز است واکنش همگانی در برابر این فشار پراکنده است . همه ویت های طبقاتی و تنگ نظری های گروهی و کومه بینی های سیاسی و گراخی ها و سر درگمی های سیاسی و ایدئولوژیک همراه با خرابکاری های عوامی دشمن در صفوف نیروهای خد رژیم و مهم تر از همه آتش کمونیسم ، طلحه عده این پراکنده گی است . این پراکنده گی غالباً با خصومت به ویژه علیه حزب توده ایران و نیز صراحتاً است تاکنین لطعات سنگینی به جنبش خد رژیم استبداد می شاه وارد آورده است . و به سلطان انداز که فشار رژیم همه گیر تر و شدید تر می شود . به همان اندازه که واکنش در برابر فشار همگانی تری شود و جنبش روی به اعتلاء می رود و زبان جنبش پراکنده گی و خصومتی آشکار تر می شود .

جبهه فدائیکاتوری

برای آن که پراکنده گی پایان یابد و واکنش همگانی در برابر فشار همه گیر به نتیجه برسد و حزب توده ایران تشکیل جبهه متحد فدائیکاتوری را پیشنهاد می کند . چرا ؟

با این که فشاری که از طرف رژیم استبداد می شایر طبقات و اقشار گوناگون جامعه وارد می آید یکسان نیست با این که طبقات و اقشار گوناگونی که به قاطبه با این فشار می پردازند و دارای ضایع گوناگون و گاه متضاد و در نتیجه دارای عقاید سیاسی و اجتماعی گوناگون و گاه متضاد اند با این که شیوه هایی که آن ها برای مقاومت و مبارزه بکار می برند گوناگون و گاه متضاد هستند . با این که هدف درونی آن ها در برابر خرد قرار می دهند گوناگون و متضاد است . با این همه تمام این طبقات و اقشار و طحی رژیم گونه گونی و تضاد یک دشمن مشترک نزدیک دارند و آن رژیم استبداد می شاه است و لذا یک هدف مشترک نزدیک دارند و آن سرنگون ساختن رژیم استبداد می شاه است .

اگر درست است که واکنش پراکنده در برابر فشار متمرکز هر قدر هم با سرسختی و شجاعت توام باشد قادر به طلبه بر فشار متمرکز نیست و اگر درست است که پراکنده گی و خصومت در بین نیروهای خد رژیم زان بخش است و فقط به سود

تقدیر روزی ۴۰۰۰

ایتالیا و جوزیه ساراگات و دهریزب سوسیال دموکرات ایتالیا رناتوکوزوتو و نقاش سرشناخ این کشور و هفده حزب کمونیست ایتالیا و سناتورانکار نرومند برسته ایرانی رضا اولیا درج شده بود. جزیره باستان روزیه "من به اقتضای آتشی که به خاطر خدمت به خلقی های ایران در درون سینمام شعله می کشد راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم و استوائم و خونم و کزخمم و پوستم و عصب تار و بود وجودم این راه را راه مقدسی شمنانه است" به زبان های فارسی و ایتالیایی تزیین ردهیده بود.

جبهه ضد دیکتاتوری ۴۰۰۰

دشمن تمام می شود و اگر درست است که فقط تمرکز نیروهای مردمی و عدت عمل در مبارزه برآید. رژیم می تواند غربت کلری بر رژیم وارد سازد و آن وقت در برابر نیروهای ضد رژیم استبدادی شاه و حربه نثار از تمام گونه گونی ها و تشا و دعا در مناطق و در عقاید و در روش ها و در هدف های دوران ما فقط یک راه باقی می ماند و آن تمرکز و تشکل و وحدت عمل این نیروها در یک جبهه ضد دیکتاتوری با هدف سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه است.

جبهه ضد دیکتاتوری و خواست طلبی

مردم چارنیاز مهم جنبه ما است

حزب توده ایران تهاوره کوشیده است که با تحلیل علمی سیر تکاملی جامعه ما و با تعیین هدف های مشخص تاکتیکی و استراتژیک جنبه در هر مرحله انقلاب و با تجهیز و تشکل و اتحاد تمام نیروهای لازم و مکن برای نیل به این هدف ها به خواست طلبی مردم ما و نیاز مردم جنبه ما پاسخ گوید و بدینسان از عهده انجام و نایابی که در برابر طبقه کارگر کوشیده خلقی های ایران دارد برآید. پیشنهاد تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری و که اینک به تمام نیروهای ضد رژیم استبدادی شاه عرضه می شود و تلاش جدید حزب توده ایران در تعیین جهت و تعیین زمینه است. تازگی و اهمیت آن نیز در همین جا است.

حزب توده ایران امیدوار است که تمام نیروهایی که صادقانه و راستی برانند از تن رژیم استبدادی شاه دستنند و به این ندای حزب توده ایران که بازتابی از خواست طلبی مردم ما و نیاز مردم جنبه ما است و پاسخ مثبت گویند تا بدینسان شرط اساسی برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه فراهم آید.

صنعت ششم و برای سرنگونی رژیم

استبدادی شاه مبارزه کنیم!

نقل از روزنامه مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

در مراسم برده برداری از مجسمه خسرو روزه شورای شهر سیانو رومانو همچنین تصمیم گرفت از کمیته سرکسزی حزب توده ایران و شهرای ای شهر دموکراتیک ایتالیا شخصیت ای برجسته سیاسی و سندیکایی و اجتماعی و علمی و عمری نیز دعوت نماید. این دعوت از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران با سپاس پذیرفته شد و پستی به ریاست رفیق ایرج اسکندری و دبیر ارل کمیته مرکزی حزب توده ایران در مراسم برده برداری از مجسمه یاد بود خسرو روزه شرکت کرد. صبح روز شنبه هیئت نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران به همراهی نمایندگان شورای شهر سیانو رومانو وارد این شهر شد. بر سر دروازه شهر که از مدت آن حکایت می کند هر وی پارچه سرخی با خط درشت به زبان های فارسی و ایتالیایی نوشته شده بود: "آزاد ویرا"

زندانیان سیاسی ایران. در این وقت مجسمه در زیر پرچم ایتالیا قرار داشت. در برابر شهرداری شعار دیگری به زبان فارسی به چشم می خورد: "زنده باد خاطره خسرو روزه" و کمیته مرکزی حزب توده ایران. "با هرود هیئت نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران به میدان شهر دسته موزیک شهرداری شروع به نواختن مارش های انقلابی کرد. آنگاه شخصیت هایی که برای شرکت در مراسم برده برداری از مجسمه یاد بود خسرو روزه به سیانو رومانو آمده بودند به هیئت نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران معرفی شدند.

بعد از انجام این مراسم هیئت نمایندگان حزب توده ایران در جلوی صفی از مردم شهر با دسته های بزرگ گل و صیقل به سوی جایگاه یاد بود قربانیان فاشیسم رفتند. در این جا یکی از مبارزین ضد فاشیست طی سخنرانی کوتاهی صحبتی مردم ایتالیا را با همبهن پرستان ایران تاکید کرد و پشتیبانی نیروهای دموکراتیک کشور خود را از مبارزان ایرانی اعلام داشت. سپس صف بدر حالی که موزیک در جلوی آن سرود های انقلابی می نواختند در جلوی شهرداری شهر سیانو رومانو قرار گرفت. در این هنگام شهردار شهر و رفیق ایرج اسکندری پرچم ایتالیا را از روی مجسمه یاد بود خسرو روزه برداشتند. موزیک سرود ملی ایتالیا را نواخت و جمعیت به مدت کف زد. از جانب هیئت نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران سازمان جوانان و دانشجو جوانان دموکرات ایران شهرداری شهر سیانو رومانو و اهلاب کمونیست سوسیالیست و سوسیال دموکرات و سازمان جوانان کمونیست ایتالیا و دریای تندیس دسته های بزرگ گل گذاشته شد. در این وقت شهردار شهر و شهردار تریبون قرار گرفت و در حالی که تشک در چشم داشت از مبارزین انقلابی ایران و از زندانیان سیاسی کشور ما و از حزب توده ایران دفاع کرد و آزادی خلقی های رنج دیده و فاشیسم زد همبهن ما را خواستار شد. بعد از شهردار شهردار سیانو رومانو و رفیق ایرج اسکندری به سخن پرداختند:

وضع ابراز مراتب سپاسگزاری عمیق کمیته مرکزی حزب

تندیس روزه...
 توده ایران و مردم ایران از شهرداری و شهردار و صرف
 آزادی راه شهروندان و رزانه به نامت برگزاری مراسم
 پرده برداری از مجسمه خسرو روزه و کعبه مرکزی حزب
 توده ایران و بی از نام آبرترین فرزندان سپهر ماسدی که
 در مجاززه با دیدن تهر و قائم و برای و این بهمن
 خوش از یوغ اصیل المسم و ارتاج به شایر آرمان های
 ولای دموکراتیک از ایثار جان خود در یوغ نوری و به حق
 از سوی توده های مردم ایران " قهرمان ملی " لقب یافت
 این ابتکار تاریخی و با صحت " راست و آن را " نه تنها
 از لحاظ انتخاب خسرو روزه قهرمان ملی ایران و " رزانه
 بر بهایی نسبت به مجاززه نه فاشیست و دموکرات ایران " و
 بلکه " از این جهت که تفسیر از صحتی لای دلاور -
 ایتالیا با مجاززه دموکراتیک لای سراسر جهان است
 که ایران به مثابه سطح بارز آن انتخاب شده است دارای
 اهمیت ملی سیاسی " خوانند .

رفیق اسکندری میس گفت : " برای خلق های ایران
 مایه بسی افتخار و مبارکات است که امروز سیاسی جنبش
 و دلاور خسرو روزه قهرمان ملی و در سطح این جنبش
 دموکراتیک بین الطلی می بیند و رگزین گفته او را در برابر
 دو خیانتش در دادگاه نایمی تهران فراموش نمی کنند :

" مردن به رحمان ناکوار است به روزه برای کسانی
 که صاحب عقیده هستند و ظلمشان آنگاه از امید به آینده به
 آینده روشن و تابناک است . ولی زنده ماندن به رقیبت
 و به دشمنان نیز شایسته انسان نیست ؛ زیرا رگزن باید
 راه زندگی را متقی سازد . از زنده ماندن ضرورت به تمام
 حیثیت و تن دادن به پستی و گدشتن از آبرو و پانها
 بر سر قایده و آرمان ایجاب نمی و سیاسی باشد و مردند
 بار بر آن شرف دارد "

مردم ایران که اینک در شرایط تور و احتیاج بی سابقه
 به سر می برند با هم از سر مشق روزه در کار مبارزه برای سرنگ
 ساختن رژیم دیکتاتوری شاهمانند و تردید ندارند که این
 مبارزه علی رغم تور و احتیاج و شرایط دشوار و بخورنم
 مبارزه در پرتو اتحاد همه نیروها و ضد دیکتاتوری سرانجام
 پیروز خواهد شد . زیرا جان آوارگه روزه در دادگاه
 نایمی گفت : " رزانه لایمی می تواند موجودیت خود را
 را نگی کند و پیر از لحاظ ای بر تو مستقیم خورشید به سنگی
 گری خواهد شد "

میس رفیق اسکندری نامه تشکر رسمی کعبه مرکزی
 حزب توده ایران را به شهرداری و شهروندان و رزانه
 کرد .

بعد از رفیق ایرج اسکندری ، طاری و زرار استاند ار
 هم سخن گفت و بدینسان مراسم پرده برداری از مجسمه
 پرده برداری از مجسمه خسرو روزه و قهرمان ملی ایران و پایان یافت . در
 تمام جریان مراسم ، به روزه نایمی که رفیق ایرج اسکندری
 سخن می گفت ، جمعیت در میان آن پرده زبانه می

اتحاد می بستند . در پایان مراسم بسیاری از شرکت
 کنندگان دست های ای هیئت نمایندگان کعبه مرکزی حزب
 توده ایران را به علامت محبتی با میهن رستان ایران
 فشردند .

در نهایت نا ا شهرداری شهروندان و رزانه در
 میبند . صحتی با حزب توده ایران و در زانه مردم شهر
 سیانو رومانو و در مراسم نایمی که از طرف حزب کعبه
 این شهر به افتخار هیئت نمایندگان حزب توده ایران داده
 شده سخنرانی های پر شور ایراد کردند . رفیق لوتیچی
 لوتیچی : راه شهیدان راه آزادی ایران را گرامی داشته
 او در برابر تندیس یاد خود خسرو روزه به احترام ایستاد
 و بر روی مردم ایران را بر فاشیسم حاکم سدانتی بی تریه
 خواند .

در زانه مردم شهر سیانو رومانو و رزانه و رزانه
 برجسته ایرانی سخنرانی کرد . در این مراسم رهبر اول
 کعبه مرکزی حزب توده ایران سپاسنامه حزب را به او
 تسلیم کرد .

مراسم پرده برداری از مجسمه یاد خود خسرو روزه
 در شهر سیانو رومانو به میبند ، صحتی با حزب
 توده ایران و مردم مجاززه ایران تبدیل شد . جمعیت پس
 خواندن سرود ای انقلابی و سرودی خود را با انبوه
 زندانیان سیاسی ایران اعلام کرد .

مجلس در باره فعالیت

مراکز جاسوسی آمریکا در ایران

در ایام سندسوی به دست ما رسید که در آن گزارشات
 وسیع دانشجویان را به مقامات ریز ۶ (آر آر) روز دانشجوی
 سالروز شهادت سه دانشجوی میهن پرست به دست فعال
 رژیم شاه یعنی برنی کرده و به واسطه جهت ضد امریکایی
 تظاهرات به امریکاییان مقیم ایران هشدار داده است
 این سند نه تنها از این جهت با اهمیت است که وحشت
 امثالگران امریکایی را از اوچ گیری روزافزون جنبش تودما می
 (به ویژه دانشجویان) و از موضع گیری هر چه قاطع تر آن
 علیه فارتگری و مخالفتی امریکایی در ایران نشان
 می دهد بلکه در ضمن به ویژه از آن جهت که از فعالیت
 های سازمان های جاسوسی امریکایی در ایران و همکاری
 نزدیک آن با ساواک شاه پرده بر می دارد .

اینک ترجمه متن این گزارش :
 مؤسسه و مرکز امریکایی : لیکتور ایمل وادار
 مقامات ایالات متحده امریکاییات شده است .

" الامتای از منابع موثق ایرانی درباره اطمینان گزارشات
 دانشجویان در سال ۱۹۷۶ به دست آمده است . این تاریخ
 هر روز به سالگرد تظاهراتی است که در گذشته نهاد و صد
 جغرافیایی دانشگاه ماسدود بود ماستو میهن پرست به عنوان
 تظاهرات ضد امریکایی شناخته نمی شده است . اما اصل در
 صورت امریکایی که در حدی این تظاهرات قرار دارند
 امکان دارند در تظاهرات رگزنگان قرار گیرند و به همین دلیل
 به امریکاییان هشدار داده می شود "

اوج نوین جنبش دانشجویی

علوم دست به تظاهرات زدند که با آن هجوم پانزدهم دستگیری
 ده‌های دانشجویان روبرو شد .
 در دانشگاه علم و صنعت واقع در ناربک نیز تظاهرات
 دانشجویان با یون و وحشیانه گردید پس از روبرو شد .
 دانشجویان به طالبه برخاستند و در نتیجه ده‌های از دانشجویان
 به سختی مجروح شدند . سپس ده‌های کثیری را برای چند
 ساعت بازداشت کردند و به آن‌ها اخطار نمودند که در صورت
 تکرار اعتصاب آن‌ها را از آگاه نظامی محاکمه خواهند کرد .
 در دانشگاه شهید اعتراضات دانشجویی شکل گرفته
 تر و یکپارچه‌تر شد . دانشجویان از رفتن به کلاس
 های درس خودداری کردند و محاصره لغو همه تصویبات
 شد دانشجویی و یکجانبه را خرابستار شدند . مقاومت
 دانشجویان شهید سرانجام مسئولان را به تسلیم واداشت
 و قبل دادند که به خواست های دانشجویان جدا
 توجه کنند .

همزمان با این اعتصابات و تظاهرات در آموزشگاه
 عالی خدمات اجتماعی و مدرسه عالی پارس نیز اعتصابات
 صورت گرفت . در مدرسه عالی پارس پس از چند دانشجویان
 بوش برود ده‌های را مجروح و دستگیر نمود و مدرسه عالی
 را نیز تعطیل کرد .

دانشجویان به استقبال ۱۶ آور رفتند

دانشجویان ایرانی روز ۱۶ آذر ه این مراسم گاه
 خونین پیگارد دانشجویی ، را به عنوان روز اعتراض به رژیم
 فئدالی و ضد دموکراتیک شاه و سلطه روز افزین امپریالیست
 ها ، به ویژه امپریالیسم امریکا و محوطه خفقان پانزدهم
 حاکم بر کشور ، و ابزار محبتگی با مبارزات زندگیشان
 صمیم و بزرگداشت خاطره شهید اجنیش آزادی بخش
 مرد ایران و دفاع از زندانیان سیاسی برگزار می کنند .
 پس از کودتای ارتجاعی و امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
 که حکومت ترور و خفقان را بر کشور ما مسلط ساخت
 دانشگاه نیز از تعرض و هجوم وحشیانه در امان نماند .
 ده‌های زیادی از دانشجویان دستگیر و یا از دانشگاه
 اخراج شدند و سازمان دانشجویان دانشگاه تهران "فهرست
 قانونی اعتراضات" اما دانشجویان با مبارزات گسترده
 اعتصابی و تظاهرات علیه حکومت کودتا صفوف خود را با
 صفوف زندگیشان نبرده بیشتر در هم آمیختند . در نتیجه
 اقدامات خیانت آمیز و تعرض رژیم کودتا علیه دستاوردهای
 دموکراتیک و ترقی سال های گذشته جنبش مردم با
 وقاحت بیشتری شدت می یافت و مقاومت مردم واز جمله
 دانشجویان نیز در برابر آن گسترش یافت .

در ۱۶ آذرماه ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه تهران

اوج خروشان اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات
 دانشگاه های کشور را فرا گرفته است . اصلا بانک اعتراض
 دانشجویان رساتر و تالیع تر از همیشه به گوش می رسد .
 تقریبا همزمان با آغاز سال تحصیلی دانشجویان با تشکیل
 و آگاهی بیشتر به مبارزه با تزییقات و اعمال فشارها دست
 اندازی های رژیم به تحقق منفی و سیاسی خود برداشتند
 و در برابر هجوم و سرکوب گزرو وحشیانه عمال پلیس و
 آدمکشان ساواک آنی از پای نایستادند و صدای اعتراض
 خود را علیه خیانت و بی عدالتی های رژیم فاسد و خودکامه
 شاه در همه جا بلند کردند .

انگیزه دانشجویان دانشگاه های کشور در نخستین
 موج اعتراضات و اعتصاب که از اوایل مهرماه آغاز شد و تصمیم
 رژیم دایر به قطع کتک هزینه تحصیلی بود . اما در واقع
 دانشجویان نه تنها به قطع کتک هزینه خود بلکه به موضع
 عمومی کشور به سلسله روز افزین امپریالیسم امریکایه محیط
 خفقان پلیس حاکم بر کشور مستتر بودند .

اعتصاب دانشجویان دانشگاه تبریز که علاوه بر قطع
 کتک هزینه تحصیلی به محرم کردن اکثر دانشجویان از سکونت
 در کوی دانشگاه و در این شرایط اسفناک و بحرانی سکس و
 که باعث شده بود که برخی از دانشجویان حتی شیراز را
 صاجد به صبح برسانند و اعتراض داشتند با هجوم وحشیانه
 پلیس روبرو شد و ده‌های زیادی از دانشجویان مجروح و دستگیر
 شدند .

در دانشگاه کشاورزی کرج نیز تظاهرات اعتراضات آمیز
 دانشجویان با محطه پلیس شاه و کوماندوهای گارتش پانسی
 روبرو شد و در نتیجه ده‌های کثیری از دانشجویان ضروب و مجروح
 و جمع زیادی از آن‌ها دستگیر شدند . اما با این حال
 دانشجویان موفق شدند کتک هزینه تحصیلی را دوباره به
 دست آورند و ولی به عنوان اعتراض به دستگیری دوستانشان
 کلاسها را تحریم کردند و دانشگاه تعطیل شد و از ورود
 دانشجویان به خوابگاه ها جلوگیری کردید .

در دانشگاه جندی شاپور اعتصاب و تظاهرات سلامت
 آمیز دانشجویان با محطه پلیس و گورد دانشگاه روبرو شد که
 در نتیجه ده‌های از دانشجویان مجروح و ده‌های دستگیر
 گردیدند . پلیس دانشگاه را برای یک نوم تعطیل کرد .
 در دانشگاه تهران به دنبال اعتصاب دانشجویان
 دانشگاه فنی که به حمایت از دانشجویان بازداشت شده در
 اروپا صورت گرفت پلیس به دانشگاه هجوم برد و با محاصره
 دانشگاه فنی و شکستن دروازه ها و مجروح کردن
 دانشجویان ده‌های دستگیر کرد .

به دنبال این هجوم وحشیانه و انتشار اخبار آن در میان
 دانشجویان سایر دانشگاه ها و دانشجویان رشته فیزیک و

فهدا با مردم تهران علیه تجدید روابط با حکومت
امپریالیستی انگلستان و دعوت از راجا رنیکون و معاون
رئیس جمهوری وقت آمریکا به اعتراض برخاستند. رژیم
برای مقابله با تظاهرات دانشجویان نیروهای انتظامی
خود را به دانشگاه فرستاد. موجی از خشم و انزجار
دانشگاه را فرا گرفت. استاد و دانشجو به اعتراض پرداختند
و فواد دست نمایان از دانشگاه کوتاه را از نو گوشه
انگین افکن شد. در این میان ناآهان آدمگان
رژیم دانشجویان پس دفاع را به رگبار مسلسل بستند.
سه تن از دانشجویان میهن پرست و صافلی بزرگ نیا
(تودهای) و مهدی شریعت زویر (تودهای) طعمه
قتلچی (عز و بیجه طی) به شهادت رسیدند. ده
دانشجو به شدت مجروح و بسیاری دستگیر شدند. همه
از ظهر شام روز به عنوان اعتراض به این جنایت
فوج و نژادین دانشگاه تعطیل گشت و انصباب
محکاتی آغاز شد. در روزهای ۱۷ و ۱۸ آذرماه تظاهرات
آشوبهای از طرف مردم تهران و همه دانشجویان و دانش
آموزان صورت گرفت و مردم خشم و انزجار خود را از رژیم
سفاه و دست نشانده شاه بروز داشتند.

بدینسان ۱۶ آذر به عنوان ماه مبارک
دانشجویان میهن پرست و دموکرات علیه امپریالیسم
و ارتجاع تار و زبون آشام در تاریخ درخشان جنبش
دانشجویی ایران ثبت شد. دانشجویان روز ۱۶ آذر
را روز دانشجویان ایران اعلام داشتند و رسال با تجلیل
از خاطره شهیدان دانشجو مزم را سخ خود را به پیگار
با رژیم مطلق و دموکراتیک شاه با شعار رزی اتحاد
مبارزه - پیروزی به ثبوت می رسانند.

اصل از اوایل آذرماه موج عظیم و گسترده تظاهرات
دانشجویی دانشگاه از طرف عالی کهورا فراگرفت
در دانشگاه کشاورزی به دنبال زد و خورد و زمین ماه
قبل بار دیگر دانشجویان مبارز با شمارهای سیاسی و
باها نند اعتراض به بازداشت گروه کثیری از دوستان خود
به تظاهرات پرداختند و در نتیجه پیش تارکدهای مهاجم
دانشگاه زد و خورد شدیدی بین آنها و دانشجویان
در گرفت که منجر به مجروح شدن ده های از دانشجویان
و دستگیری ده های دیگر شد.

در دانشگاه پلی تکنیک دانشجویان از صحن
دانشگاه بیرون آمدند و در نیابان با شعار نایبی
علیه رژیم توتروخیانیت به تظاهرات پرداختند. باز به داخله
پلیس و زد و خورد زمین انجامید.

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت تظاهرات
گسترده علیه رژیم شاه و به یاد سالگرد شهیدان ۱۶
آذر بر پا کردند و با پلیر شاه جند به زد و خورد
پرداختند.

در دانشگاه صنعتی آریا مهر تظاهرات دانشجویی بسیار

سیمای مهاجم و پرخاشجوی خود و طوری رژیم مجبور سرکوب
و خشمگینانه و مستمر پلیر چندین روز ادامه یافت و منجر به
تعطیل اکثر کلاس گردید. در جریان این تظاهرات
عده زیادی از دانشجویان توسط پلیس دستگیر شدند.

صحنه های ناآرامی در مدرسه عالی پارس و دانشگاه
ایمینیك و اقتصاد دانشگاه تهران واقع در امیرآباد
تکرار شد. در دانشگاه ضی پلیر مبارزات دانشجویان
را با تعطیل دانشگاه خاموش کرد. در دانشگاه ده حقوق
تهاجم آدمگان شاه منجر به مرگ یک دانشجو ضروب
و بازداشت شدن عده کثیر دیگری شد.

در مدرسه عالی سلیمان به دنبال پخش یک اعلامیه
به مناسبت روز ۱۶ آذر در روزهای ۱۵ و ۱۶ آذرماه
دانشجویان از رفتن به کلاس خودداری کردند.

در مدرسه عالی ادبیات و زبان های خارجی به دنبال
تظاهرات ۲ روزه دانشجویان و دانشگاه برای چند روز
تعطیل شد.

در مدرسه عالی مخابرات در روزهای ۱۵ و ۱۶ آذر
تظاهرات گسترده ای بر پا شد که باز با هجوم پلیس مواجه
شد و ۱۶ نفر از دانشجویان دستگیر شدند. عده های از
دانشجویان نیز در حین زد و خورد مجروح گردیدند.

موت تظاهرات دانشجویی در شهرستان ها نیز با
شدت و استواری سابقای جریان یافت.

در تبریز دانشجویان دموکراتیک و پیروزی بر پا کردند
و به دنبال سرکوبی ای برانگنده با پلیس مستلظم
دانشگاه تعطیل شد و عده زیادی از دانشجویان دستگیر
شدند.

در دانشگاه اصفهان در اوایل آذرماه اعلامیه و مناسبت
روز دانشجویان بخیز شد که در آن از خاطره شهیدان ۱۶ آذر
تجلیل شد. و طیف برگزاری این روز و ناپسندای اعتراض
آمیز دانشجویان آزادی خوا و پیکار جو علیه خودکامگی
و وطن فروشی رژیم شاه خون آشام تشریح کرد و به
در روز ۱۶ آذر دانشجویان دانشگاه ای پزشکی و علوم
در جلوی دانشگاه مایهات اجتماع کردند و راه پاساژ
دانشجویان دانشگاه به تظاهرات بودا تند و شعله دار جاوه ان
اتحاد مبارزه - پیروزی خشم و نفرت خود را از رژیم
استبدادی ایران دانستند. اما در این جا پلیس بیکو جرات
نیافت در مقابل این صحنه در شان اظهار وجود کند. با
این حال دانشگاه برای مدت نامعلومی تعطیل گردید.

رژیم سفاه شاه با تمام تلاشی که برای جلوگیری از
تظاهرات دانشجویی به مناسبت ۱۶ آذر به عمل آورد نتوانست
راه این صیل پرخاشجوی و خشمگین را سد کند. لذا به کمک
گله آدمگان خود در حد سرکوب خشن و در نشان آن برآه
مدت دانشجویان مبارز را مجروح کرد و بهین از زار دانشجوی
میهن پرست را به شکوه گاه و زندان فرستاد و در حد
دانشگاه او در زمانی کشور را تعطیل کرد. اما عده ایمن
خوشونت با عنایت ما و پیشگرمی او در انتوانسته
است مسئله فرزندان جنبش دانشجویی را به مثابه بخشی از نهیت
آزادی به نژادین نمای ایران خاموش کند.

در یک کشور سوسیالیستی

تنها ده درصد کار با مادت صورت می گیرد. کوشش دولت معطوف به این است که تا زندگی روستاییان هر چه بیشتر به زندگی شهر نشینان نزدیک شود. روستاییان بلغارستان سوسیالیستی امروز نه تنها از آسودگی و بهداشت و امکانات بهره مندند بلکه همه آن بازرده سال پیش بدون استثنا حق بازنشستگی می گیرند. توماس هربرت و خبرنگار انگلیسی که که اخیراً از بلغارستان دیدن کرده در یادداشت های صافرت خود درباره این کشور سوسیالیستی می نویسد: "پیش از این مرکز باورنی کردم با کشوری چنین آباد و مردمی مریک روبرو شوم. رژیم سوسیالیستی بلغارستان در واقع توانسته است توانایی شگرف خودش را در تغییر سیمای شهرها و روستا های کشور و همگان آن بهبود زندگی مرد خنشان دهد."

بلغارستان یکی از کشورهای مادی است در جهان که در صد دهه اخیر سیمای گمانی خود را کاملاً تغییر داده است. سی سال پیش از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در این کشور نبود در حد خانه ها در روستاها از نونها شده است. از خانه های گچی و سیمانی و سیمانهای باقی مانده. روستاهای امروز بلغارستان همه بدون استثنا از نیروی برق و آب لوله کشی استفاده می کنند. همه روستاها دارای مدرسه و دبیرستان و عمارت های و حرفه های درمانگاه و زایشگاه و کودکانستان و شیرخوارگاه هستند. مردم برای خود دارای مرکز اداری و فرهنگی است. اکثر روستاها کلبه سیمنا و تاتر و گروه های سنتی موسیقی دارند. بیرون ده بدین کتابخانه نیست. بیست و دو سال پیش ریشه کن شده است کشاورزی بلغارستان هم اکنون به اوج کامل گامیزه شده است.

خبرها - بقره

از رژیم فاسد و جبارگونی آن عمارا از این کارهای دارد. حال وسایل ارتباط جمعی رژیم روجه می خوانند در این مورد به تبلیغات پر سر و صدا و مواظفیه خود ادامه دهند.

۱- اجازت قطعی تعطیل تلویزیون ...

دستور داده است که در این همه کارها مهم تلویزیون کارشناسان آمریکایی و افراد تحصیل کرده آمریکا قرار گیرند تا سیستم آمریکایی تبلیغات و آموزش تلویزیونی در جهت فاسد کردن و تحقیر مردم بی گم و گاست اجرا شود و فرشته ضبط تلویزیون و ارتجالی ترین محافل آمریکایی بر همین ماسلط گردد.

۱۲- دادگری ارتش ...

اخیراً در شاهیه کبیر ننگ نزدیک بر این تمام مراتع را که دارای پوشش گیاهی مناسب برای دادگری بوده تصاحب کرده و به دوران نامیده اردار کشیده و اجالی محلی و دامهایشان را از آن مراتع بیرون رانده و حتی دام های دادگری را که کوچکترین امتزای و مواظفی از خود نشان دادند کشته اند.

۱۸- در هر دوره چه می گذرد؟

است
 ۱- درباره امور صومانه به وزارت بازرگانی دستور داده شده که تمامی کوششها را در جهت تولید داخلی راهبند
 ۲- نشین های - لیم فارور و سایر رکنند و برای صرفه دانی از خارج کوشش و سبب زمین و نیاز وارد نمایند. زیرا تمام از این راه است که در باربان و وابستگان بدان تمامی توانند با وارد کردن کوشش بیخ زده و فاسد و سبب زمین و نیاز. ارجی خود ای انحصاری به جیب بزنند. به ویژه که بی از مواد فزاینده و آیین نامه های - گمرکی موجود این امتیاز را بر این رها بمان قابل شد که کلیه بسته ها و محصولات وارداتی متعلق به آنجا بدین بازرسی و بدون برداشت و بیاری به عنوان حق گمرکی بی درشتی مستقیماً وارد کشور شود.

اطلاعات

شخصی به نام قاضی هاشمی در تهران با ما به کار دعوتی و اخبار ارواح و نظیر آن مشغول است و در نتیجه تبلیغات مواظفیه عوام و ایادی خود و نیز فعال رژیم شهرت زیادی به نام زده است. به تیری که چنین مشهور شده که رکن هر مشکلی داشته باشد با مراجعه به او گویا مشکلش برطرف خواهد شد. لازم می دانیم چه سالهاست این شیاد و حاصل رژیم را افشا کنیم. به اطلاع همگان می رسانیم که او از کارگزاران با نفوذ سازمان امنیت است و با دربار ارتباط می باشد و حتی بنا بر اخبار موثقی که دریافت داشته ایم همواره نخست وزیر پنهانی به خانه او رفت و آمد می کند.

چه بسیار خانواده هایی که از فرزندان خود بسی خبر می مانند و به خیال آن که فرزندان طغور شده به این شیاد مراجعه کرده کتک می خوانند و او با کسب اطلاعاتی درباره فرزندان ما و ترفتن کس او از خانواده اش و آن را در اختیار ساواک قرار می دهد تا او را تعقیب و اعتدال دستگیر کنند.

صورتگسبون کردن رژیم محمد صلی و محمد موسکراتیک شاه وظیفه اساسی همه نیروهای مترقی و انقلابی صیبن صاست

خبرها

۱- اعتصاب کارگران ساختمانی در اصفهان

در اوایل مهرماه گذشته حدی نفر از کارگران ساختمانی در اصفهان دست به اعتصاب بی سابقه زدند. آن تا به کمی دستبرد ا در تجانس با قیمت سرسام آلود و روزافزون ما به احتیاج عمومی و نداشتن شرایط ایمنی و تامین جانی در حین کار اعتراض داشتند. کارگران ساختمانی اصفهان مدتها در محلاتی نظیر فلکه احمدآباد و میدان قدیم و معروف به میدان کهنه و فلکه پهلوی و طوقچی و چهارسوق بزرگ جمع می شوند و کارفرمایان برای این کارگران آن ها به این محلات مراجعه می نمایند. در روز ۱۱ مهرماه کارگران از پذیرش هر اجناسی سر باز زدند و این وضع چند روز ادامه یافت. کارفرمایان به جای ایجاد شرایط مساعد کار توجیه به تقاضای حق کارگران بملی شکایت بردند و پلیس برای در م شکستن این اعتصاب خاموشی و در عین حال بحال غم انگیز مدخله کرد. ماموران پلیس کوشیدند کیمه زیر و تم دید کارگران بر پایه ساختمان های نظام و یا زمین های در شرق ساختمان بفرستند اما با مقاومت جدی آن ها روبرو شدند و گسار به زد و خورد کشید. کارگرا که خود را در صورت خطر و حیثیت ماموران دیدند به مقابله پرداختند و در نتیجه تیران زد و طار کند اکثر آن کارگر بودند مجروح شدند. با دستگیری و وضع کارگران و کتک زدن و مجروح کردن گروه زیادی از آنان و این اعتصاب در هم شکسته شد. اما نمایان خصوصیت هر یک پادشاه خدردی و وضع مردم را متوجه زمینگترین و بی نصیب ترین قشر کارگری کرد و کیمه همیشه جوشان آنان را نسبت به رژیم که گسز منافی زور و وحشیگری منافع دیگری نمی شناسد تشدید کرد.

۲- فاجعه در کارخانه سیمان آریای اصفهان

در ۲۳ مردادماه گذشته بوسیده یکی از سالن های کارخانه سیمان آریای اصفهان واقع در ۳۰ کیلومتری شرقی شهر اصفهان روی سر ۵۵ کارگری که در آن مشغول کار بودند خراب شد و موجب مرگ ۱۰ تن از کارگران و مجروح شدن بقیه گردید. سالن در مساحت آن ۳۰۷ متر مربع بود و کارگران از مدت ها پیش متوجه آن بودند بارها صراحتا از کارفرما خواسته بودند آن را تعمیر کنند. اما کارفرمایان سردجو به آن توجهی نکرده بود. تا اینکه سرانجام در ۲۳ مهرماه سقا سالن تا ناچار بر سر کارگران نیز ریخت و فاجعه به بار آورد. حادثه ای من از ادته نیز در گزار امداد و بیرون کشیدن کارگران از زیر آوار تا بیرون سادی شد و سرانجام اجساد ۱۰ تن از کارگران از زیر خاکی بیرون کشیده شد و بقیه کارگران که به سختی مدد می شده بودند به بیمارستان انتقال یافتند که سرنوشت آن ها چندان روز

نیست.

با آن که مسئولیت این حادثه مستقیما متوجه کارفرمای کارخانه است و از طرف مقامات دولتی هیچ بازخواستی از او بعمل نیامده است. از رژیم که کارگری شاه چیز این انتقاری نمی توان داشت. اتحادیه مبارزه پیگیر و ووشیارانه کارگران و اعمال فشار به سرمایه داران تنها راه تامین شرایط ایمنی کار و سایر خواست های حق کارگران است.

۳- در کارخانه ایران ناسیونال

از کارخانه ایران ناسیونال خبر می رسد که از مدت های پیش ساعات کار روزانه کارگران را عملا حدود یک ساعت افزایش داده اند. توضیح این که در سابق انیوس سرورین کارخانه کارگران را در آغاز و پایان هر داخل صوبه کارخانه و نزدیک محل کار پیاده و سوار می کرد و اما اینک در خارج از محدوده کارخانه آنان را پیاده و سوار می کند و کارگران مجبورند نیز فاصله در ورودی تا صوبه اصلی را که محل کارشان است دو بار بپیمایند و این نزدیک به یک ساعت طول می کشد. کارگران به تصمیم سخت اعتراض دارند.

۴- تواتر علیه کارگران

بهی از انتصاب جناب هر آژین و یکی از رذل ترین چهره های شناخته شده ساوانته به وزارت کار و ۳۰ تن از کارفرمایان بزرگ ایران در یک جلسه بحرمانه دویزرتی کار با او به گفتگو و تبادل نظر (در واقع تواتر علیه بین علیچه کارگران) نشستند. نمایندگان سرمایه داری بزرگ ایران در این جلسه متذکرین نامه انتقالی کارخانه و کارگاه ها را که برای جلوگیری از اعتصابات روز افزون کارگری تهیه کرده بودند در اختیار آژین قرار داد و اجرای آن را امرانه از او خواستار شدند. در این آئین نامه د کارگری موارنا: رأی و تهیه کارگران چنین بین می نمود ما است:

مدام توه به دستورات نامتق و بی اثری به ماشوقه ایچ کردن مواد اولیه و کم کاری و غیبت و آسیب رساندن به ماشین آلات.

در آئین نامه تصریح شده که کارفرمایان می توانند در موارد تلفات ذکر شده کارگران را از اجراع کند و یا اثر تشلف چیزی بماند ۶ روز. آئین آن ارا نیرد از رویا ۱۰ روز آن ها را از کار مطلق کند. در ضمن کارفرما بکارگاه که اراده کند می تواند کارگران را به بیمه کم کاران اجراع کند.

در جلسه مذکور و آژین من تأیید تأریا: پیشنهاد سرمایه داران و به آن پیشنهاد کرد که در کارخانه کارهای انتقالی نیزه مستقر شوند تا اعتراضات و اعتصابات کارگری

آن برانند.

دراوازه همراهِ دانشجویان هنرستان صنعتی آبادان نیز به عنوان اعتراض به نداشتن معلم و کتاب و وضع نامناسب آموزش از شهر در کلاس را خود داری کردند. به تکیه دانشجویان هنرستان ما و همچنین ما دانش آموز سراسر کشور به علت کمبود معلم و نداشتن کتاب درسی چنان ادا دارد.

۷- انتصاب دانشجویان دانشکده علوم سیاسی و حزبی

دانشجویان دانشکده علوم سیاسی و حزبی از چهارشنبه سوم آورماه دست به انتصاب زدند. علت انتصاب اعتراض دانشجویان این بود که شاه ملی فرمانی به جمعی از آموزگار و هیئت حزب و برای رستاخیز دستور می داد که کلیه دانشجویان دانشکده علوم سیاسی و حزبی باید به خدمت حزب رستاخیز درآیند و برای این حزب کار کنند. اما هنگامی که این فرمان از طریق صفولان دانشکده به اطلاع دانشجویان رسانده می شود آن اعتراض و تهدید به انتصاب می کنند و چون رئیس دانشکده اعلامی دارد که از او کاری ساخته نیست و چون فرمان شاه است دانشجویان به عنوان اعتراض از حضور در کلاس ها خود داری می کنند. از نتیجه انتصاب خبری نداریم.

۸- تهاجم خونین آذریگان شاه به دانشجویان دانشکده حقوق

پس درنده شاه در روز ۹ آورماه در یک حمله و شمشیر به دانشکده حقوق دانشگاه تهران ده ها دانشجو را آزادی خواهِ ایرانی را به خون کشید که در نتیجه یکی از دانشجویان کشته شد. کار دانشگاه در جریان این حمله بیش از ۳۰ دانشجو را که به شدت مجروح شده بودند با خود برد که از سردشت هیچ یک از آن ها اطلاعی در دست نیست.

حادثه از آنجا آغاز شد که دانشجویان به ادار استوار شرکت تعاونی و انجمن دانشجویان و کتابخانه توسط ساواک اعتراض داشتند و خواستار واگذاری مجدد آن به دانشجویان بودند. رئیس دانشکده تقاضای ملاقات کردند اما هنگامی که برای گفتگو به محل تعیین شده وارد شدند و مورد تهاجم و شمشیر افراد گارد قرار گرفتند. دانشجویان به دفاع برخاستند و جدال خونینی در گرفت. دانشجویان با شروع حمله تازی ها با شاعر اتحاد مبارزه پیروزی و صفون بود را فشرده تر کردند. در جریان زد و خورد شعارهای تازه ای که از رشد آگاهی دانشجویان حکایت داشت چون خورشید به یمن از فرارسیدن طوفان بر صحن دانشگاه طنین افکند: « دانشجویان! پستی سوی کارگران! روشنگران! دست های برادران کارگران را فشارید... بدون کارگران ما پیروز نخواهیم شد... »

را بی درنگ و در نافه سرآوب کنند. این پیشنهادها استقبال برادران نوجوید. روزی شد.

بی منت اعتراض به مبارزات متحد و سازمان یافته خود این توطئه تازه و خطرناک رژیم شد پشوی شاه را نشی خوا شد کرد و با اوج دروستان مبارزات انتصابی نوجس و خافسگی را از این بیزبراه برداشته داشت.

۹- انتصاب دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی

دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی در اوایل همراه اصل دست به انتصاب متمکن زدند. این انتصاب ده روز طول کشید و با موفقیت پایان یافت. تری علت انتصاب بستن عهدی رستوران آموزشگاه برای جلوگیری

از تماس و گفتگوهای دانشجویی بود. با اعلام انتصاب ستاره فرمانفرمایان که مدیر این آموزشگاه است نخست با خواست دانشجویان مخالفت کرد ولی بعد مجبور شد به پذیر جز دانشجویان سال چهارم دیگران از غذا خوری استفاده کنند. دانشجویان اعلام کردند که رستوران متعلق به همه دانشجویان است و به آن باید از آن استفاده کنند.

فرمانفرمایان اعلام کردند که من به کمک پلیس می توانم همه ۱۴۰۰ دانشجوی آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی را از آن کم و به جای آن ۱۰۰۰ دانشجوی جدید بپذیرم. دانشجوها از تهدید نبراسیدند و به انتصاب ادا دادند و تا این که در ای تهران به روی همه دانشجویان باز شود.

دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی به علت نوع دروس پرورشته تحصیلی و پیش که تماس با مردم زمینگیش را ایجاد می کند و پیش از دانشجویان سایر رشته ها تحت فشار قرار دارند. فرمانفرمایان که از وابستگی به دربار است و آموزشگاه را با شیوه ای پلیسی اداره می کند. او به دانشجویان حق اعتراض نمی دهد و استادان را به بهانه های مختلف اخراج می کند. مگر اکنون با ایجاد شرایط کاملاً فاشیستی و گذاردن شرایط عادل برای ادا تحصیل و افزودن پرونده های درسی و بیلوئوری از تماس میان دانشجویان سال اول با دانشجویان سال های قبل و محیط حتی برای نفس کشیدن آزاد مشکل شده است.

دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی تصمیم گرفته اند با مبارزه متحد و دایم و بی وقفه آنرا تخریب کنند.

۱۰- تظاهرات دانشجویان هنرستان صنعتی تهران

روز یکشنبه ۲۵ آورماه دانشجویان هنرستان صنعتی تهران و واقع در پاهان توپم السدانه به عنوان اعتراض به نداشتن معلم و کتاب و به تکیه ناشی از آن تظاهرات وسیعی برپا کردند تا نوجوب ادا یافت. در ضایع تظاهرات پاهان کشیده شد و پلیس با حاکم هنرستان کوشید دانشجویان را در چهارم براری هنرستان زندانی کند اما نوجویان بهانه برای مخالفت با میران پلیس به دست

پلیس برآز سرکوب دانشجویان ویردن زعمی نایو
جسد دانشجویی شسته شده و دانشکده را تعطیل کرد .
درالی که کلاس ها در دستور دانشکده به کلی درختم ریخته
بود و لکه های خون در دیوارها پاشانده بود .

۱- تصور رژیم به حقوق کارمندان

به دنبال جابجایی نئون در ایران بلندگویی یاره
گوی رژیم دیوان لژیم تکیه بر نیروی کار و جلوگیری از کم کاری
و غیره و برای جبران غارتگری های امریالیست و اونوکرا
ایرانی شان ازفتندو سایر منابع آبیسی کشور به فرسان
شاه پخشنامه این کارمندی به کلیه وزارتخانه ها و ادارات
دولتی دستور داده شده که حداقل ۲۵ درصد از کارکنان
خود بکارند و بدین نحو که کارمندی را که بیش از ۲۰ سال
سابقه کار دارند بازنشسته کنند و کارمندی را که سابقه کما
کمتری دارند به تشدید در روستا به اصلاح کنگاریا زائد
استند بیروز یک فرصت شایسته با بود لکت نمی از
حقوق بدین جهت حقی انرا نام نمایند .

بنا بر این بارموش کلیه وزارتخانه او سازمان های
دولتی به دنبال این به منافع فهرست اولی از کارکنانی
که باید اخراج یا بازنشسته شوند تهیه کرده اند . مثلاً
در وزارت امری اقتصاد و اداری در این شهر به نام بیوزی ازسی
زار کارمندی ذکر کرده است .

از جانب دیگر ما شهر رسیده که دستور داده شده
برای افراد مشمول تصفیه و اخراج راه رود به سلسله انجمن
و ارتش شایسته باز باشد .

اما با اقبال کردن حقوق راهدان فشار به کارمندان به
همین جا شانه نمی باید . نفعها چند سالی است که از اغافه
حقوق بدین نسبت و در مواردی که حکم اغافه حقوق صادر
شده پس از گذشت سه سال هنوز پرداخت نشده و بلکه متذکر
می کنند به بهانه آن مثلا از همین حقوق ناچیز کارمندان
نیز مهالفی کسر کنند . مثلاً در مقابل یک دقیقه تاخیر در حضور
به اداره متداول یک ساعت و در مقابل یک ساعت غیبت
معادل یک روز از حقوق کارمندان کسری کنند و در مقابل سه
روز غیبت کارمندی در دادگاه اداری حکم اخراج می نما .
صحت تهدید و اخطار بر ادارات حاکم است . عصار

سازمان امنیت در این مورد به تشبیهات اونانین دست می زنند .
مثلاً قریب به یک سال است که برآز خاتمه کار و خروج کارمندی
از اداره کشو ای میوز کند ای آن ارا با زسی می کنند و
چندی بیوز این به شانه جرمات ای از کلیه ادارات راسته
شده که کارمندی را که کتاب ریاضی روزنامه غیر از رستاخیز
می خوانند به سازمان امنیت معرفی کنند . ولی به شانه جرمات
دیگری روسای ادارات موظف شدند که کارمندان زنی را که
مذ می دارند به ساواک معرفی نمایند .

به این فشارها و تبعیضات غیر انسانی و فاشیستی در
میان کارمندان موجی از ناخشنودی و خشم نسبت به رژیم خد

مردمی شاه پرانگیخته است . کارمندان به تدریج پیسی
می برند که جز از راه تشکل و مبارزه به آید صنفی و سیاسی را اتحاد
با سایر اقشار و ایققات انقلابی و دموکراتیک به ویژه لایقه
کارگران و فاعلند توانست توسط های نویسی رژیم علیه منافع و
مصالح خود پایداری کنند .

۱- تخریب خانه ای مردم ادامه دارد

وضع جمعیت بار سکنه اجاره بهای گهر شکن و کبود و
نژاتی فوق العاده زمین و خانه در محدوده شهر اهریز که
به ویژه تهران به همت شده است که صد ۱۸ هزار نفر از
زحمتکش برای راهی از درگیری به خارج از محدوده شهر
بنا به برند و گاه ده ها کیلومتر دور از شهر در نقاط سی
عاری از رونق خدمات شهری و در واقع در وسط بیابان
خود خانواده درین سریناه قوی دست می کنند . اما
ایادی رژیم و ماموران و اندامی و عهداری به بهانه های
نونانین نامیر خارج از محدود بودن و نداشتن جواز
ساختن بنا استاند ارد نبودن بنا این سرناه اواروی سر
ساکنین آن ها شراب می کنند . سال گذشته ماموران
شهرداری در شهران نو چندین خانه را که به اصلاح
غیر قانونی ساخته شده بود (اما در واقع برآز آن اجوا ز
ساختن نام داشتند) روی سر ساکنین آن ها شراب کردند
و در برابر مقاومت مردم آن ارا به گوله بستند و حیوان
راشتند و ارا جرح کردند . اصالن نیز در دهقان
و دهکده های کوهستانی و در ارتفاعات

صبح روز ۱۳ بهرماه ماموران شهرداری به شهرک
دهقان ویلا هجوم بردند و خانه را شراب کردند . در
این شهرک حدود ۸۰ واحد سکونی وجود دارد که عصار
رژیم همه شراب کردن همه آن ارا داشتند . اما بولدوزهای
شهرداری نفوز بهی از خانه شراب ندرده بودند که فریاد
استداد و خشم مردم مستطیده شهرک را بر کرد . مردم
به تروسيله که در اختیار داشتند به دفاع از سریناه خود
برخواستند . شاجرات لذتی به زودی به زود خورد آنگار
تهدید شد . مردم همین شهر ارا که راه به شدت کسک
زدند و بولدوز ای شهرداری راه آن کشیدند . سرانجام
با عداله ماموران و اندامی و سرکوب وحشیانه مردم دستگیر
عدم ای از آن ارا جرمات تصفیه .

در نتیجه بیوز در شانه ماموران و اندامی چهار نفر
از االی به شدت جرح و به بیمارستان اعزام گردیدند .
این ارا که به بیم وجه تصدیق نیستند و همین
زندگی بهر رسید که ماموران و اندامی در حصارک کرج
ده ها خانه و سریناه مردم سخت زده و مستطید را روی
سرشان شراب کردند . ساکنین این خانه ها کارگران و
زحمتکشانی هستند که از فرط لاعلاجی به در افتاده ترین
نقاط و حتی بیابان ای پرت افتاده پناه برده مانده .
ماموران و اندامی درین روز یکبار به ایض ضلعه حجومی بودند

و خانه های مردم را خراب می کنند و در مقابل اعتراض مردم
هنگام درواست باج سپید برشود می کنند. در همین دهقان
ویلا و بناهای پارک الوی و ناموران شهرداری از سوی یک از
صاحبان خانه ها بیزار از ۲۰ هزار تومان اجائی کرده اند
تا دست از سر آن بردارند. اما با این حال باز هم از
مزاحمت و تخریب خانه دست برنداشته اند. به تازگی رسد
که حتی حال رژیم برای کپیدن زمین مردم سیری ناپذیر است.

**۱۱- مشکل مسکن را رژیم در خلیج
شاه نمی تواند حل کند**

انتخابی که در آمازسال ۱۳۵۱ رزی کاغذ برای ایجاد
۲۷۵ هزار واحد مسکونی بین بندی کرده بودند دوسال بعد
به علت تورم شدید و توانی نوز، ماده زمین و مصالح
ساختنایی به قدری از آن تقلیل یافت که به تازگی که
کار ساختنایی در بهر صورت تقریبا متعطل شد. از سوی
دیگر با استمرار سیاست نظامی رژیم بیشتر مصالح ساختمانی
بخصوص برآکز نظامی سرانبر آوردید. این امر سبب شد در
طی سال های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ دولت بزرگانه ساختمانی
به کسی نداد. این که در مدت چهار سالگی که از آغاز برنامه
بنجم می گذرد دولت نتوانسته است نهی از تصد نایز
خود را در زمینه ایجاد واحد های مسکونی اجرا کند و یکی
فقد یکی از نتایج سیاست ضد خلقی رژیم و از سمت این
سیاست و نقشی است که به عنوان ژاندارم امپریالیسم بر
این قسمت از جهان به عهده گرفته است. یک لحظه
ببیندیشید! ماسالی بین از بیست میلیارد دلار فقط
در آمد نفتی داریم. آیا با سرمایه گذاری وسیع در امر ساختن
با ایجاد کارگاه ها و کارخانه های تولید مسکن و با جلوگیری
از فعالیت مغرب زمین خواران و شرکت ها و انحصارهای
ساختنایی به دادن وام های اوفی الفدت به زمینگشان
برای ایجاد خانه ها حمایت از مستاجران و جلوگیری از هزات
دسترخ آنانی توان مشکل مسکن را حل کرد؟ طبیعی
است این از عهده رژیم ضد خلقی صحرخا شاه خارج
است. مشکل مسکن را فقط رژیم می تواند حل کند که
نماینده مردم باشد.

۱۲- حکومت نظامی در زمین شهر امشهان

ماجرای اهلام حکومت نظامی در زمین شهر امشهان
که به دنبال یک خشیمان خلقی رخ داد همانند بسیاری از
لذهار و رویدادهایی که جانی از نارایی و خشم همین مردم
نسبت به رژیم فاسد وصال ظالم آن است به روزنامه ای دربار
موجود راه نیافت و با قدرت برده بزنی شد.
زمین شهر در ۵ کیلومتری کارخانه ذوب آهن امشهان
واقع است در گذشته تنها یک قریه کوچک بود اما اکنون اتفاقا
کارگران و حتی کارمندان مهاجری شده است که از نقاط
متلف کشور به این کارخانه روی آوردند. آنچه که در این
شهرک پیش از وزیر جلب توجه می کند دستگاه عربی و

ژاندارمری و آمدورفتی وقف و اندام سلامت. انسان
تازه وارد خیالی می کنند زمین شهریک شهرک نظامی یا
اشغال شده است. اما وقتی متوجه می شود که اکثر ساکنان
شهر را کارگران تشکیل می دهند و با در نظر گرفتن خلصت
ند کارگری رژیم طستادری باید. مانند دیگر نقاط امشهان
ژاندارم ها در زمین شهر نیز قدرت و اختیارات وسیعی
دارند و با مردم به صورت ارباب با رعیت بوده رفتار
می کنند. حتی بدون حفظ احترام از مردم باج می گیرند
و به آن از می گویند. اما شب بیست و یکم ماه رمضان
حادثه ای رخ داد که چشم مردم را تکاند و به صورت
عمومی سراسر شهرک را فراگرفت. رئیس پاسگاه ژاندارمری
به اتفاق یکی از بستگانش عصر یکی از کارگران را می زدند
و با خود به آبداه نزدیک شیرازی برد. سه روز بعد که
بر می گردید در حالی زن بخت برگشته چون برنده ای گرفتار
لرزان و متوحش است و رئیس پاسگاه می خواهد او را در
مقابل خانه آن پیاده کند. اما مردم که در کین این بوده اند
ایا یائین می کشند و کشان کشان به طرف پاسگاه می روند تا
از این رسوایی صورت مجلس تهیه کنند. اما ژاندارم ها با
دیدن رئیس خود بدین هیبت گفتگوی به خود و بستگان
زن برده شده حمله می کنند و نزاع سختی در می گیرند. اما
به حمایت از مأمورین وارد معرکه می شوند و در سر شایسته ای
به ژاندارم های دختند. از طرفین هده زیادی زخمی
می شوند. ژاندارم ها با بی سیم از پاسگاه ای دیگر و به
خوبی نوزان شهرت ژاندارمری در کارخانه دوب آهن
یاری می دهند و ساعتی بعد کابین های سر باز و ژاندارم
می رسد و فرماندهان آن ها بدون هیچ تحقیق انواع فحش
های رکیک را نثار مردم می کنند. باز مردم خشمگین اعتراضی
می کنند و درگیری شروع می شود. صدای شلیک گلوله ها با
فریاد کارگران صهبانی در هم می آمیزد و سرانجام مرد مشتاق
می شوند و ژاندارم ها مستمرن روده شده و عده ای دیگر
را دستگیر می کنند و به اصفهان می فرستند. تعداد زخمی ها
بسیار زیاد بوده است. همچنان مرد پنهانین ظلم مشخص دیگری
حد و مرزی نداشت. در حالی که دولت با اهلام حکومت نظامی
مشغول با نیرو به بند بود مرد مهمترده و حیران بودند که این
نظام چهار و مکی به سر نیزه چه بکنند. روز بعد ساواکی ها
به شهرک هجوم آوردند و عده زیادی از االی و کارگران
رها خود بردند. اکنون با وجودی که یک ماه از نداشتن
می گذرد در زمین شهر و روستای اطراف آن همچون
و به خصوص در خود کارخانه ذوب آهن مبارزه خشمگین
کارگران زمین شهر با ژاندارم ها و جنایات رژیم به قصد
دفاع از فاسدترین عناصر به صورت کابوسی فراموش نشدنی
با تفسیرهای گوناگون در زبان ها است. وسیع ترین قشر
کارگران به این نتیجه می رسند که ریشه الم رستم بی اندازه در
خود وجود رژیم کنونی است براه نجات را در مبارزه دسته
جمعی علیه آن باید جستجو کرد.

۱۳- سوء استفاده ۰۰۰ میلیون تومان

در میان بزرگای بسیاری که در یک به نحوی فساد و خرابی و پلیدی این رژیم در خلق و لهوان و انمار آنرا افتخار می کند و هرگز به احوال و رفاه راضی نباشد و خوب سو سوء استفاده و دزدی کلان ملی صمیمی و استناد ارساب سق خوزستان و کرمانشاه و قابل تذکره و تامل است.

برونده سوء استفاده و سرقت ۰۰۰ میلیون تومان ملی صمیمی به عنوان بزرگترین سوء استفاده در تاریخ دادگستری ایران و مدتی است در دیوان کفر مطرح است و حدود صمیمی نیز در بازداشت به سر می برد. صمیمی همواره از کارگزاران مورد اعتماد رژیم بوده و مدت ها در پست های اساسی چون عضویت هیات مدیره شرکت واحد اتومبیلرانی و معاونت وزارت اطلاعات استناد اری کرمانشاه و سرانجام استناد اری خوزستان در دسته در دسته غارتگر شاه و پانته صالح طت و سلطنت شرکت داشته است. این که در میان این همه دزد و خائن و سوء استفاده چی برونده این عزیز در دانه دیروز و مشغوب امروز رژیم به دادگستری رفته و دلیل روشنی دارد. از در غارت کلان و دزد از سرور ملی و یکیدن بیون مردم و شاه و ایرانیان اهراسیم نکرده

و حق و حساب لا زهر نبرد است. و دلیل این که به بر زمین سوء استفاده کلانی نیز منتشر نشده و رژیم برای تمام بزرگان و محقق فریب مردم دست به چار و جنجال و تبلیغات کرکنند بر این آن نکرده است و تنها این است که در بار امید و ارامت بی آن که سرود ای زیادی بریزد و باز بر فشار قرار دادن استناد ارساب سقیم خود را از چپا و دزدی عملیاری او دریافت دارد. در آن صورتی شاه و پانته ایران که سرور است استناد ارساب و مخدوب تمام بر می شود و پست حساب تری در اختیار قرار می آید.

۱۴- هجوم تازه جلادان شاه به زندانیان سیاسی

جلادان و زندانیان شاه از بی جنبه نسبت به زندانیان سیاسی فرو گذار نمی کنند. آن ها امروز عرصه را بر این فرزندان قهرمان خلق که نفاذ جز آزادی و آزادی و دشمنی با وطن فروشی و پانته دارند و تند تر می کنند. حدود دو سال است که به جز تعدادی انگشت شمار هیچ زندانی سیاسی که در محکومیت به پایان رسیده آزاد نشده. کثیر خانواده و فامیلی است که یک یا چند زندانی سیاسی نداشته باشد. رژیم که تا مدت ها در نظر و چشم روز افزون خانواده ها است و برای فریب آن ها از زندان نام می کند که فلان مقدار از حکومان دادگاه شاه را از آزادی شوند و مادر واقع این فریب بی نیست. رژیم با این فریب و نقل بی اثر امید واهی خانواده را به آزادی فرزندان خود خفا کند ولی در واقع قتل بیانیان و تاجا قتیان و دزدان مشمول خط و شایانه می شوند و آزادی می نرند. اما زندانیان و قهرمان و فریبی که عزیزترین فرزندان این آید خالک راه اسارت

ترفته اند و برای خوش خدمتی به ارباب دیوانه و جنایتکار خود در فرصتی به آزار و اذیت زندانیان سیاسی می پردازند که تازترین نمونه آن همون وحشیانه کار دشمنی و پلیس زندان در روز چهارم آبان به زندان شماره ۴ خراسان. زندانیان شاه به زندانیان سیاسی فشار آوردند که باید در روز چهارم آبان کسالتی تولد شاه است در داخل زندان جشن بگیرند. بروایح است که این پیشقدم ادبانه و زدیانه با یوزخند تخم روی احمد ای زندانیان روسو شد. آن ها که به کار کوشش برای برافکندن نظام صحتی و دیکتاتوری شاه و قطع دست این بزرگترین و تبهکارترین خان تاریخ ایران از چپا و تاراج و پانته به زندان افتاد ماند و چگونه می توانند این سالروز شوم و تکتت بار را که به حق روزی مردم ایران است جشن بگیرند!

وقتی پیشقدم آبرانه زندانیان با سکوت رخشند آید زندانیان روسو شده و پلیس به زندان شماره ۴ قصر هجوم برد و زندانیان را با انواع وسایل زیر رگبار کتک گرفت. هفته بعد خانواده ای که مصلحتاً از عزیزان اسیر خود رفتند آثار ضرب و شتم و شیانه جلادان شاه را بر سر صورت کبود و مجروح و متورم آن ها دیدند. چشم خانواده ها در این روز در ارباب اشک مادران فدای قم انگیزی ایجاد کرده بود. دیکتاتور دیوانه معلوم نیست از جان فرزند ان خلق های زجر دیده عاجز می تواند. آیا این که بی شرمی و سفاکسی در بی کجای دنیا تکرار دارد؟ بی شک نه.

د- تبلیغ به نفع نظامیگری

قلمی که بر عاقل تلویزیون به برخی از تهیه کنندگان برنامه های تلویزیونی محرمانه دستور داده که هر چه بیشتر برنامه های درباره هواپیمای و هواپیما تهیه کنند و مردم را به اشتیاق علاقه و به ویژه جوانان راه رفتن به نیروی هوایی تشویق نمایند.

سیاست بی بند و بار تبلیغاتی رژیم در انواع و اقسام ای جنگی طرفین رگسوز بی وقفه پایگاه های هوایی و غیره و راه نیروی هوایی و افزایش برای کار در ارتش به ویژه نیروی هوایی نیازمند می کند تا در یک علاوه بر یک بر ترده ها زار مستشاران غایب امریکایی چاره ای جز تشویق هر چه بیشتر جوانان به پیوستن به ارتش ندارد و مضاعف از آن کسی است که در ارتش روزنامه بهترین گواه آن است.

اما تبلیغ همه این تبلیغات پیرو سودا امروز جوانان کثیری به رفتن به ارتش و با وجود حقوق ای گزافی که می دهند و قیمت نشان می دهند و این به دو دلیل است. یکی این که جوانان نمی خواهند گوشت دم توپ برای حفظ رژیم پوسیده شاهنشاهی باشند و دوم این که نفرت فزاینده آن را بشنوند و بمانند.